

## بررسی ترجمه داستانی کوتاه از میشیما

- مرگ در نیمه تابستان و داستانهای دیگر
- نوشته یوکیو میشیما
- ترجمه هرمز عبداللهی
- انتشارات معین، تهران، چاپ اول ۱۳۶۹
- قیمت ۹۵۰ ریال، ۲۷۸ صفحه

چندی پیش گزیده‌ای از داستانهای مدرن ژاپنی را به فارسی ترجمه می‌کردم<sup>۱</sup>. یکی از این داستانها، راهب و عشقش نوشته میشیما یوکیو بود. می‌دانستم که این داستان بیشتر ترجمه شده است. آن را با اصل مطابقت دادم ولی متأسفانه کاستیهایی در آن دیدم که مرا به ترجمه دوباره آن راغب کرد. در زیر برخی از این کاستیها را می‌آورم.

### ۱- عنوان داستان

عنوان داستان *The Priest and His Love* دو عنصر در خود دارد: یکی راهب و دیگری عشق او. این داستان که در ۲۹ سالگی میشیما منتشر شده از جمله داستانهای شاخص اوست. میشیما در این داستان، که بر حکایتی از سده چهاردهم بنا شده است، با رویکرد جدید روان‌شناختی به تحلیل انگیزه‌های درونی دو قهرمان داستان می‌پردازد. این توازن میان دو شخصیت حتی در عنوان داستان نمود دارد. ولی ترجمه فارسی این عنوان به صورت *کاهن معبد شیگا و ماجرای عشق او* این ظرافت را از میان برده است.

نکته دیگر آن که، شخصیت مرد این داستان راهب است نه کاهن. می‌دانیم که راهب از دنیا می‌برد و در خلوت به تأمل می‌پردازد و از هر رابطه‌ای می‌پرهیزد. ولی کاهن دستگیر مردمان است و وظیفه راهنمایی و تبلیغ دارد و رابطه با مردمان جزو زندگی اوست.

### ۲- نام نویسنده

در زبان ژاپنی نخست نام خانوادگی و سپس نام کوچک را ذکر می‌کنند. متأسفانه در ترجمه‌های

۱. *کوهستان پاییزی*، گزیده‌ای از بهترین داستانهای مدرن ژاپن، ترجمه محمد شهباء، انتشارات پیراسته، تهران (زیر چاپ).

فارسی، چون بیشتر از روی ترجمه‌های انگلیسی یا فرانسه صورت می‌گیرد نه از زبان اصلی، این ترتیب وارونه شده است، همچنانکه در این کتاب نیز می‌شیمایوکیو همه جا به صورت نادرست یوکیومیشیما آمده است. می‌شیمایوکیو نام خانوادگی و یوکیو نام کوچک است. پسندیده آن است که نامهای ژاپنی را به همان صورت اصلی این زبان بیاوریم؛ همان‌گونه که روانمی دانیم در زبانی دیگر جلال آل احمد را به صورت آل احمد جلال ضبط کنند.

### ۳- اصول رستگاری

در آغاز داستان، می‌شیمایوکیو به نقل از کتاب اصول رستگاری مطالبی می‌آورد. پسندیده بود که مترجم محترم در خصوص این کتاب توضیحاتی بدهند. زیرا بدون این توضیحات، فهم آن مطالب و نیز فهم داستان کمی دشوار می‌نماید. اصول رستگاری نوشته اشین است. (در ژاپنی نام او راگنشین نیز می‌توان خواند). اشین از منادیان بزرگ فرقه جودو از آیین بودایی است و این کتاب (به ژاپنی *ōjō Yōshū*) عقیده نامه این فرقه است. این اثر از اواسط دوره هیان مورد توجه مردم بوده و از نخستین کتابهایی است که در ژاپن به چاپ رسیده. بر سبیل مقایسه می‌توان گفت که این کتاب تقریباً نمونه بودایی حلیه‌المتقین علامه مجلسی است.

### ۴- برابره‌های نامناسب

برخی از برابره‌های واژگانی که در ترجمه فارسی این داستان به کار رفته، و نیز برخی از برابره‌های مقدمه کتاب، وافی به مقصود نیست یا اساساً نادرست است. برای نمونه چند مورد را می‌آوریم:

"می‌شیمایوکیو... در مدرسه اشرفی پیرس به تحصیل پرداخت" (ص ۷)

مترجم، مدرسه اشرفی پیرس را در برابر Peers' school آورده که خود به معنای مدرسه نجبا است. ولی ایشان Peers' را اسم خاص دانسته‌اند و حتی به علامت 's توجه نکرده‌اند. در همین مقدمه، نام برخی از داستانهای می‌شیمایوکیو نادرست ترجمه شده است.

- The Flowering Grove

جنگلی پر از شکوفه (ص ۱۳)

ترجمه پیشنهادی: درختستان پر شکوفه.

- The Temple of the Golden Pavilion

کلاه فرنگی معبد طلایی (ص ۱۳)

ترجمه پیشنهادی: معبد کلاه فرنگی طلایی؛ یعنی معبدی که یک کلاه فرنگی طلایی دارد و به همین نام مشهور است.

- Great Imperial Concubine

این عبارت بارها در داستان به کار رفته و در ترجمه فارسی همه جا به سوگلی امپراتور بزرگ ترجمه شده است. ولی از قید Imperial مشخص است که صفت Great Concubine راجع است. بعلاوه، در متن اصلی بارها عبارت Great Concubine آمده که نظر ما را تأیید می‌کند. از آن گذشته،

سوگلی ترجمه مناسبی برای concubine نیست. سوگلی زیباترین و تازه‌ترین زنی عقدی حرم‌سراست که مورد توجه و علاقه خاص امپراتور یا پادشاه باشد. وقتی سوگلی از چشم پادشاه می‌افتد، همچنان زن او به شمار می‌آید و نمی‌تواند با کسی دیگر به‌طور موقت یا دائم ازدواج کند ولی concubine محبوبه یا معشوقه‌ای است صیغه‌ای یا حتی بدون آن؛ در امپراتوری چین باستان concubine زنی دوم یا چندم امپراتور است که حقوق قانونی‌اش از همسر اول کمتر است.

ترجمه پیشنهادی: محبوبه بزرگ امپراتور

-Songs of.....[birds] and sweet-voiced kalavinkas, who have the faces of beautiful women.

"..... و صدای دلنواز کالاوینکاها..... که چهره زنان زیبا را در خاطره زنده می‌کنند.

خاطره تجربه‌ای شخصی است که شخص قبلاً به چشم خود دیده باشد، و کاربرد آن در مورد بالا درست نیست. در اینجا می‌توان گفت خاطر. بعلاوه، این پرندگان چهره زنان زیبا را در خاطر زنده نمی‌کنند بلکه خود چنین سیمایی دارند. کالاوینکا در ژاپنی مرغی است با چهره زنی زیبا. عبارت توضیحی who have the... را مترجم انگلیسی به متن افزوده است. و چون سخن از سرزمین پاک (بهشت باختری) است، زن زیبا را می‌توان حوری دانست.

ترجمه پیشنهادی: و نغمه دلنواز مرغانِ حوری سیمان...

#### ۴- سهوهای معنایی

در ترجمه فارسی، گاه سهوهای معنایی راه یافته است؛ یعنی مترجم محترم عباراتی را نادرست ترجمه کرده‌اند. در زیر به چند مورد اشاره می‌کنیم:

- In the chapter on the Inspection Gate we are told that, since uninitiated sightseers cannot hope to penetrate deep into the Pure Land, they must concentrate, first, on awakening their powers of "external imagination" and, thereafter, on steadily expanding these powers. Imaginative power can provide a short cut for escaping from the trammels of our mundane life and for seeing the Buddha.

"در آستانه دروازه بازرسی و تفتیش به ما گوشزد کردند که، چون تماشاگران ناآشنا و نامحرم نمی‌توانند هیچ امیدی به راه یافتن به درون "سرزمین پاک" داشته باشند، می‌بایست نخست در بیدار کردن نیروهای "تخیل ابدی" و از آن پس در گسترش بی‌وقفه این نیروها افکار خود را متمرکز کنند. نیروی تخیل می‌تواند ما را در فراهم آوردن راهی کوتاه و میان بر برای گریز از درگیریها و موانع این جهانی و توفیق دیدار بودا یاری دهد." (ص ۱۰۴)

میشیما در ادامه نقل از کتاب "اصول رستگاری" می‌گوید که در فصل دیگری از این کتاب که درباره "دروازه سؤال و جواب" است، چنین آمده. مترجم chapter را به آستانه برگردانده‌اند و همین باعث شده که بقیه جمله را نیز نادرست دریابند. منظور از we are told گوشزد کردن نیست بلکه مراد آن است که "چنین آمده" یا "چنین می‌خوانیم". بعلاوه، تخیل بیرونی درست است نه تخیل ابدی.

ترجمه پیشنهادی: در فصل دیگری از این کتاب، باب "دروازه سؤال و جواب"، آمده که چون نامحرمان را به اعماق حریم سرزمین پاک راه نیست، نخست باید نیروهای "تخیل بیرونی" خویش را متمرکز سازند، سپس در تقویت و توسعه آنها بکوشند. نیروی تخیل، چونان راهی میانبر، آدمی را از ملالی زندگی مادی می‌رهاند و به دیدار بودا می‌رساند.

- By means of **microscopic observation and astronomical projection** the lotus flower can become the foundation for an entire theory of the universe and an agent whereby we may perceive Turth.

"به وسیله مشاهدات میکروسکوپی و طرحهای نجومی گل نیلوفر می‌تواند اساس و پایه فرضیه جامع جهانی باشد و عاملی که از طریق آن درک و مشاهده حقیقت امکان پذیر شود." (ص ۱۰۴)

این داستان در ژاپن باستان رخ می‌دهد و می‌دانیم که در آن روزگار برای تأمل با میکروسکوپ به گل نیلوفر خیره نمی‌شدند! منظور از عبارت microscopic همان گفته مولانا است که "دل هر ذره‌ای که بشکافی / آفتابیش در میان بینی".

ترجمه پیشنهادی: اگر آدمی در گل نیلوفر تأمل کند، در دل آن کیهانی می‌یابد و آن گل به مبنای نظریه کلی گیتی، و واسطه تجلی حقیقت تبدیل می‌شود.

- The Imperial Concubine pretended to disbelieve the rumor. The virtue of this particular priest, however, was noted throughout the Capital, and the incident was bound to feed the lady's vanity.

"سوگلی امپراتور وانمود می‌کرد که این شایعه را باور ندارد. اگر چه فضیلت و پرهیزکاری این کاهن استثنایی در سراسر پایتخت معروف خاص و عام بود، اما این واقعه تا به آن حد بود که بتواند به بیهوده‌گوییهای زنان مایه دهد." (ص ۱۱۱).

مترجم، vanity را به "بیهوده‌گویی" و lady's را به "زنان" برگردانده است. ولی در اینجا vanity به معنای کبر و غرور است و lady هم مفرد است با علامت s'.

ترجمه پیشنهادی: محبوبه امپراتور..... باور ندارد. ولی از آنجا که راهب پیر در سراسر پایتخت به تقوا و پارسایی شهره بود، این ماجرا لاجرم بر کبر و غرور بانو می‌افزود.

- The various forms of religious meditation were all in vain. He tried the Contemplation of the **Chrysanthemum**, the Contemplation of the **Total Aspect** , and the Contemplation of the **Parts**.

"روکردن به انواع تأملات مذهبی بیهوده می‌نمود. به ذکر پرداخت، به سیمای مطلق ملتجی شد و اندیشه 'پارت‌ها' را آزمود." (ص ۱۱۶)

با خواندن این جمله، خواننده درمی‌ماند که آیا اندیشه‌های پارت‌های ایران باستان در افکار راهبان بودایی نفوذ یافته و جزو عقاید آنان شده است؟ ولی این جمله ربطی به پارتیان ندارد بلکه parts به معنای اجزاست. بعلاوه، نمی‌دانیم چرا، تأمل در "گل داوودی" به "ذکر" ترجمه شده است؟

ترجمه پیشنهادی: انواع تأملات مذهبی را بیهوده آزمود. به "تأمل در گل داوودی"، "تأمل در وجه کل" و "تأمل در اجزا" پرداخت؛

##### ۵- نثر نامناسب

نثر میشیما، به ژاپنی، آهنگین و بسیار مصنوع است و حتی گاه به مرز تکلف می‌رسد. این ویژگی در ترجمه انگلیسی و نیز تا حد زیادی در ترجمه فارسی کمرنگ شده است. به ذکر یک نمونه بسنده می‌کنیم:

- If one feels like having something to eat, there automatically appears before one's eyes a seven-jeweled table on whose shining surface rest seven-jeweled bowls heaped high with the choicest delicacies. But there is no need to pick up these viands and put them in one's mouth. All that is necessary is to look at their inviting colors and to enjoy their aroma; thereby the stomach is filled and the body nourished, while one remains oneself spiritually and physically pure. When one has thus finished one's meal without any eating, the bowls and the table are instantly wafted off.

"اگر کسی دلش بخواهد چیزی بخورد همان دم خودبخود جلو چشمانش میزی آراسته به هفت گوهر، که روی براق آن کاسه‌های هفت گوهر پر از بهترین طعامهاست، پدیدار می‌شود. اما نیازی نیست انسان طعامها را بردارد و به دهان بگذارد و تنها چیزی که ضروری می‌نماید نگریستن به رنگهای دعوت کننده آنها و لذت بردن از بوی خوششان است. آنگاه اندرون انباشته می‌شود و جسم از طعام بی‌نیاز می‌گردد و در این حال انسان جسم و روح خود را منزه می‌دارد. وقتی انسان بدینسان بی‌آنکه چیزی خورده باشد غذای خود را تمام کرد، جامهای غذا و میز بی‌درنگ ناپدید می‌شود." (ص ۱۰۳)

در ترجمه فوق، از نثر آهنگین و کهنه نمای میشیما خبری نیست، هر چند که می‌توان بیشتر از مترجم به چنین نثری نزدیک شد:

ترجمه پیشنهادی: وگر کسی را میل طعام در دل اوفتد، میزی آراسته به هفت گوهر پیش‌رویش گسترده، ظروفی مزین به هفت گوهر بر رویه شفاف آن پدیدار گشته، از طعامهای لذیذ انباشته. نه نیاز است که دست پیش‌آورد و طعام در دهان گذارد، بل تماشای الوان داعی و استشمام رایحه باقی آنها کافی است تا اندرون از طعام انباشته و جسم از جوع رسته گردد. لیک این تناول نه جسم را آلاید نه روح را خسته نماید و چون این تناول بی‌خوردن پایان پذیرد، آن خوان گسترده به آنی غیب شود.

گاه درازنویسی به زیبایی نثر لطمه زده است. نمونه‌ها:

flower-viewing season

"فصل تماشا و گردش میان گلها" (ص ۱۰۷)

ترجمه پیشنهادی: فصل گل‌گشت

From the moment that a man no longer responds in the slightest to the motives that regulate the material world, that world appears to be at complete repose; it had become a mere picture drawn on a piece of paper, a map of some foreign land.

"از لحظه‌ای که انسان به انگیزه‌هایی که دنیای ملموس و مادی را نظم و شکل می‌دهد، کوچکترین اعتنایی نمی‌کند، دنیایی در کمال آرامش و آسایش در برابرش پدیدار می‌شود. در نظر کاهن بزرگ دنیا صلح و آرامشی محض را به جلوه درمی‌آورد؛ دیگر به تصویری محض بر تکه کاغذی مانده بود، نقشه‌ای از یک سرزمین دور و غریب." (ص ۱۰۶)

ترجمه پیشنهادی: از همان آن که انسان به انگیزه‌های حاکم بر دنیای مادی پشت کند، دنیا برایش بس آرام جلوه می‌کند. دنیا به چشم راهب بزرگ فقط تصویری بود بر یک قطعه کاغذ؛ نقشه‌ای از سرزمینی بیگانه.

In the twinkling of an eye the present world had wreaked its revenge with terrible force on the priest.

"در یک چشم بر هم زدن، دنیایی فانی انتقام خویش را از او گرفت و تلافی آنچه را که گذشته بود با نیروی هول‌انگیز از او باز ستاند." (ص ۱۰۸).

ترجمه پیشنهادی: در چشم برهم زدن، دنیای دون با نیروی هراس‌انگیز از راهب پیر انتقام ستاند.

محمد شهبان